

آثار سیاستهای خصوصی‌سازی بر صنعت بیمه کشورهای در حال توسعه به‌ویژه در منطقه اکو

از: سیدمحمد آسوده

[متن زیر، مقاله‌ای است که نویسنده در روز ۸ مرداد ۱۳۷۵ در هشتمین سمینار بیمه‌ای اکو در پاکستان به زبان انگلیسی ارائه کرده است]

آزاد سازی بازار و خصوصی سازی مؤسسات دولتی بخشی از اصلاحات کلی اقتصادی است که بسیاری از کشورهای در حال توسعه درصدد دستیابی به آن هستند. سیاستهای آزادسازی به‌منظور بازنگری در محدوده فعالیت‌های دولت و افزایش کارایی فعالیتهای اقتصادی از طریق مشارکت و مالکیت بیشتر بخش خصوصی به اجرا در می‌آید.

آزاد سازی و خصوصی سازی از طرحهای اساسی به‌شمار می‌روند که فعالیتهای اقتصادی را از بخش دولتی به بخش خصوصی تغییر وزن می‌دهند تا با ایجاد رقابت و کارایی بیشتر زمینه دستیابی به سطح بالاتر رشد اقتصادی را فراهم نمایند.

آزاد سازی شامل کلیه اقدامها و اصلاحاتی است که ورود آزاد و مشارکت بیشتر مؤسسات خصوصی در فعالیتهای اقتصادی را میسر می‌سازد. در مقام مقایسه، خصوصی سازی مشخص‌تر و محدودتر است و معمولاً به انتقال مالکیت و کنترل مؤسسات تجاری از دولت به بخش خصوصی اطلاق می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که خصوصی سازی یکی از بخشهای اساسی برنامه‌های آزاد سازی است و بسته به درجه و حدود مالکیت و دخالت دولت نقش کم و بیش با اهمیتی در فراگرد آزادسازی خواهد داشت.

اجرای سیاستهای آزاد سازی در بخشهای مختلف اقتصاد از جمله بیمه موجب تغییراتی در عوامل محیط کلان که بر صنعت بیمه تأثیر می‌گذارند یا آن را شکل می‌دهند، می‌شود. این تغییرات را می‌شود به دو بخش طبقه‌بندی کرد. روندها و تغییراتی که از

اجرای سیاست‌های آزاد سازی در سطح کلی اقتصاد ایجاد می‌شود و تغییراتی که از آزاد سازی صنعت بیمه ناشی می‌شود. افزون بر این، تأثیر و تأثر این تغییرات با دیگر عوامل اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی از قبیل مرحله رشد اقتصادی، روند تولید ناخالص داخلی، بیکاری، نرخ تورم، رشد جمعیت و پیشرفت‌های تکنولوژیک را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. هر چند تأثیرات اجرای سیاست‌های کلی آزاد سازی بر صنعت بیمه، گوناگون و پیچیده است و بحث کامل پیرامون همه جوانب آن در اینجا امکان‌پذیر نیست، در زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

با گشوده شدن درهای صنایع بیشتری بر روی بخش خصوصی، چه سرمایه‌گذاران داخلی و چه خارجی و با اداره امور فعالیتهای اقتصادی با مدیریت کاراتر، تقاضای بیشتری برای انواع گوناگون پوشش‌های بیمه‌ای ایجاد می‌شود. برای این افزایش تقاضا دلایل متعددی وجود دارد. مؤسسات خصوصی شده یا مؤسسات خصوصی تازه ایجاد شده به دلیل اینکه از حمایت‌های قبلی دولت از جمله خود بیمه‌گری یا دریافت یارانه و دیگر کمک‌ها برخوردار نیستند، بیمه‌گراتر بوده و مدیریت آنها به بیمه توجه و حساسیت بیشتری نشان می‌دهد. همچنین تقاضا به دلیل گسترش فعالیتهای اقتصادی بخش خصوصی و تخصیص منابع عمومی به طرح‌های زیربنایی افزایش می‌یابد. این افزایش تقاضا با انتظار بسیار زیاد برای دریافت خدمت خوب همراه است که صنعت بیمه را در دو جهت مالی مخالف هدایت می‌نماید.

در حالی که شرکتهای بیمه باید کیفیت و تنوع خدمات خود را در پاسخ به انتظار فوق ارتقا دهند، محیط رقابتی‌تر، شرکتهای بیمه را وادار می‌سازد که نرخهای پایین‌تری پیشنهاد کنند. مشارکت بیشتر مردم و شرکتهای فعالیتهای اقتصادی و ورود سرمایه‌های خارجی در جریان آزاد سازی موجب بهبود بازار سهام و سرمایه می‌شود. شرکتهای بیشتری از صنایع مختلف در بورس اوراق بهادار پذیرفته می‌شوند و سهام بیشتری در بورس معامله می‌گردد. چون سرمایه‌گذاری بخشی استراتژیک از فعالیتهای مؤسسات بیمه است، توسعه بازار سرمایه موقعیتهای بهتر و متنوع‌تر سرمایه‌گذاری را برای این مؤسسات ایجاد می‌نماید. گسترش بورس اوراق بهادار و مالکیت سهام جنبه نقدینگی سرمایه‌گذاری‌ها را که در شرکتهای بیمه حایز اهمیت است بهبود می‌بخشد. این امر در کشورهای در حال توسعه که بیشتر حق بیمه آنها را نوع کوتاه مدت آن تشکیل می‌دهد از اهمیت بیشتری برخوردار است. در کشورهایی که بازار سرمایه ضعیف است ذخایر بیمه‌ای غالباً در بانکها نگهداری یا در اوراق قرضه دولتی سرمایه‌گذاری می‌شوند که در

آنها اطمینان و نقدینگی بالا ولی بازده پایین است. علاوه بر بازده کم، این نوع سرمایه‌گذاری‌ها مانع از شکل‌گیری مهارت‌های انسانی و موجب مدیریت ضعیف سرمایه‌گذاری می‌شود.

توسعه بازار سرمایه همچنین شرکتهای بیمه را در موقعیت بهتری از نظر تأمین منابع مالی و کفایت سرمایه قرار می‌دهد و به آنها این امکان را می‌بخشد که ظرفیت بیمه‌پذیری و نگهداری خطرهای خود را افزایش دهند. به هر حال باید توجه داشت هنگامی که بازار رقابتی‌تر می‌شود منافع بازار سرمایه و سهام، چه از نظر تأمین سرمایه چه از لحاظ سرمایه‌گذاری متوجه سازمانها و افراد کارایی است که برای بهره‌برداری از این موقعیتها از توانایی و آمادگی بیشتری برخوردار باشند. صرف وجود بازار توسعه یافته الزاماً به معنای موقعیت نیست.

در اینجا تعدادی از اثرهای سیاستهای آزاد سازی صنعت بیمه مورد اشاره قرار می‌گیرد:

هرچند آزادسازی صنعت بیمه در اکثر کشورهای در حال توسعه هدفهای کلی و جهت‌های مشابهی را دنبال می‌کند لیکن اثرهای اجرای چنین برنامه‌هایی از یک کشور به یک کشور دیگر بسته به ساختار و وضعیت موجود صنعت بیمه و همچنین حدود، درجه و سرعت برنامه‌های خصوصی سازی متفاوت است. وضعیت موجود صنعت بیمه کشورهای در حال توسعه را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

۱. ساختار مالکیت دولتی - که در آن صنعت بیمه ملی شده است و عملیات بیمه‌ای را یک یا چند شرکت بیمه متعلق به دولت انجام می‌دهند. جمهوری اسلامی ایران با سه شرکت بیمه عمومی و یک شرکت بیمه عمر که تمامی سهام آنها متعلق به دولت است و یک شرکت بیمه جدید که متعلق به بانکها و شرکتهای بیمه است در این گروه قرار می‌گیرد.

۲. ساختار رقابتی داخلی - که در آن فقط شرکتهای بیمه خصوصی داخلی در کنار یک یا چند شرکت بیمه دولتی فعالیت می‌کنند. در چنین ساختاری شرکتهای بیمه خارجی مجاز به فعالیت نیستند. در این گروه ممکن است بیمه‌های اتکایی با خارج کشور را یک یا چند شرکت بیمه دولتی انجام دهند.

۳. ساختار رقابتی و جمعی - که در این ساختار تعداد زیادی شرکت بیمه داخلی و خارجی در یک محیط رقابتی فعالیت می‌نمایند. این گروه ممکن است شامل چند شرکت بیمه دولتی یا تازه خصوصی شده نیز باشد. به شرکتهای بیمه دولتی که در چنین محیط‌هایی رقابت می‌نمایند معمولاً استقلال و آزادی بیشتری داده می‌شود تا به صورت

بازرگانی فعالیت کنند و بتوانند با شرکتهای خصوصی داخلی و خارجی رقابت کنند. صنعت بیمه کشورهای ترکیه و پاکستان در این گروه قرار می‌گیرد.

در حال حاضر بیش از پنجاه شرکت بیمه در هر یک از کشورهای ترکیه و پاکستان فعالیت می‌کنند که ترکیبی از شرکتهای بیمه خصوصی داخلی و خارجی و شرکتهای بیمه دولتی دارند. در ترکیه تعداد شرکتهای بیمه دولتی به دلیل خصوصی سازی در حال کاهش است و سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند تا صد در صد مالکیت یک شرکت را داشته باشند. به تبع آن، آثار آزاد سازی و همچنین حدود و میزان آمادگی برای اجرای سیاستهای آزاد سازی در سه گروه فوق متفاوت خواهد بود.

در ساختار مالکیت دولتی که بازار در اختیار یک شرکت بیمه دولتی است یا بین چند شرکت دولتی تقسیم شده است به دلیل نبود رقابت و همچنین وجود هدفهای اجتماعی، نرخ بیمه‌ها ممکن است براساس ضوابط بازرگانی تعیین نشود. با بهره‌گیری از حمایتهای دولتی ممکن است در رشته‌هایی که حساسیت عمومی کمتر است نرخهای بالاتر از واقع اعمال شود در حالی که در رشته‌های دیگری به لحاظ هدفهای اجتماعی دولت نرخهای پایین غیر اقتصادی به گروههایی از جامعه ارائه گردد. این سیستم نرخ گذاری به همراه برخی مشکلات مدیریت دولتی مانند تمرکز تصمیم‌گیری، دیوان‌سالاری، مقررات دولتی و تورم کارکنان در هنگام آزاد سازی تغییرات عمده‌ای ایجاد می‌نماید. مالکیت خصوصی، قیمتهای صحیح و رقابت، از عناصر اصلی اقتصاد بازار هستند. در ساختار مالکیت دولتی که عناصر یاد شده به خوبی حضور ندارند، آزاد سازی سریع مشکل خواهد بود و معمولاً برنامه آزاد سازی مرحله‌ای با یک دوره انتقال انتخاب می‌شود. مرحله اول آزاد سازی می‌تواند شامل مراحل زیر باشد:

۱. تصویب و اصلاح مقررات بیمه‌گری

۲. خصوصی سازی یا تجاری سازی شرکتهای بیمه دولتی

۳. اجازه تأسیس و ورود شرکتهای بیمه جدید به صورت کنترل شده

بدین ترتیب، درجه معینی از رقابت ایجاد و قیمت گذاری انحصاری به قیمت گذاری رقابتی نسبی تبدیل می‌شود.

درجه رقابت به تعداد و توانایی رقابتی شرکتهای بیمه تازه وارد وابسته خواهد بود. اگر شرکتهای تازه وارد کم و این شرکتها از توانایی لازم برای کسب حداقل سهم بهره‌مند نباشند، بازار کماکان در اختیار بیمه‌گران قبلی اعم از اینکه هنوز دولتی بوده یا خصوصی شده باشند، قرار خواهد داشت. یکی از احتمالات این است که یک یا چند شرکت بیمه

خارجی که از مزایای رقابتی، اندازه، سرمایه، پوششهای اتکایی و تکنولوژی برخوردار هستند، با در اختیار گرفتن بازار در مراحل اولیه نرخهای پایین ارائه کنند. در هر شرایطی، وجود یک شرکت بیمه بزرگ و مسلط بر بازار می تواند مانع ایجاد رقابت سالم شود.

از سوی دیگر این نگرانی نیز وجود دارد که چنانچه اجازه ورود به بازار به صورت کنترل نشده اعطا شود پس از اعطای اجازه فعالیت به شرکتهای بیمه خصوصی داخلی و خارجی، حالت رقابت زیاد و ناسالم و ارائه نرخهای غیر اقتصادی جایگزین حالت انحصاری موجود شود. یکی از مشکلات جاری صنعت بیمه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، حضور شمار زیادی شرکت بیمه با سرمایه کم است که ظرفیت بیمه پذیری و نگهداری خطر آنها بسیار پایین است. در چنین شرایطی احتمال بروز حالت ناتوانی ایفای تعهدات و ورشکستگی وجود دارد، به ویژه اگر شرکتهای بیمه داخلی در معرض رقابت شرکتهای خارجی قرار گیرند.

ضوابط قانونی مناسب برای داشتن حداقل سرمایه و توازن ریسکهای پذیرفته شده با وضعیت مالی می تواند از ورود و حضور شرکتهای ضعیف و شکسته شدن بیش از حد بازار جلوگیری کند. در مراحل اولیه آزاد سازی، صنعت بیمه ممکن است به دلایل زیر شاهد روند کلی کاهش سودآوری باشد:

۱. قبل از آزاد سازی و خصوصی سازی، شرکتهای بیمه دولتی معمولاً به لحاظ وجود حالت انحصاری سودآور هستند. در حقیقت شرکتهای بیمه در کشورهای در حال توسعه نسبتاً سودآورند و آزاد سازی و خصوصی سازی در این کشورها غالباً در پاسخ به کارایی پایین صورت می گیرد تا نبود سودآوری.

۲. افزایش رقابت ممکن است موجب کاهش نرخهای بیمه شود.

۳. افزایش رقابت، بالا رفتن هزینه های پژوهش و توسعه و بازاریابی را ایجاد می نماید.

۴. رقابت موجب افزایش انتظارات بیمه گذاران می شود که به تبع آن به افزایش حجم و تعداد خسارتها منجر می گردد.

در کشورهایی که شرکتهای بیمه داخلی بسیاری به صورت خصوصی یا دولتی فعالیت می کنند، گام بعدی در آزاد سازی بیشتر ممکن است شامل برداشتن هرگونه مقررات تبعیض آمیز موجود که مانع از رقابت سالم می گردد باشد. گام دیگر بعدی می تواند اجازه ورود کلی یا جزئی و انتخاب شده به شرکتهای بیمه خارجی باشد. چنانچه برنامه و قصد، خصوصی کردن کامل صنعت بیمه باشد، شرکتهای بیمه

دولتی به بخش خصوصی عرضه می‌شوند. در این حالت ممکن است سهام به بخش خصوصی داخلی عرضه شود یا تا حدودی شامل خریداران خارجی نیز باشد. عامل تعیین‌کننده در انتخاب خریداران برخوردار از تواناییهای مدیریتی و مالی لازم و داشتن برنامه برای بهبود کار شرکت است. چنین خصوصی سازی موجب افزایش رقابت در بازار می‌شود. به هر حال چنانچه در نظر باشد یک یا چند شرکت بیمه دولتی هنوز در کنار بخش خصوصی فعالیت نمایند، برخورد یکسان با تمامی شرکتها چه خصوصی و چه دولتی می‌تواند موجب ایجاد رقابت بهتر و بالاتر شود. شرکت‌های بیمه دولتی نیز علی‌رغم برخورداری از حمایت‌های یاد شده با مشکلات اختصاصی خود مواجه هستند. مشکلات مدیریت دولتی، مقررات بودجه‌ای و استخدای و هدفهای اجتماعی و غیر تجاری آنها را از نظر رقابتی با شرکت‌های خصوصی متفاوت می‌سازد. بنابراین، در اینجا برخورد یکسان به مفهوم کاهش حمایتها و مداخله‌های دولت در اداره شرکت‌های بیمه دولتی و اعطای استقلال و آزادی عمل بیشتر به این شرکتها به منظور تجاری اداره شدن و همزمان گسترش محدوده فعالیت بخش خصوصی است.

اعطای اجازه فعالیت به شرکتهایی که تمام یا بخشی از سرمایه آنها متعلق به سرمایه‌گذاران خارجی است گام دیگری در آزاد سازی صنعت بیمه به‌شمار می‌رود. سطح توسعه صنعت بیمه داخلی عامل تعیین‌کننده‌ای برای تصمیم‌گیری در مورد اجازه ورود رقبای خارجی است. اگر شرکت‌های بیمه داخلی به تعداد زیاد و به‌خوبی توسعه یافته باشند ورود شرکت‌های بیمه خارجی با سرمایه و مهارت بیشتر و تکنولوژی بهتر ممکن است ابزار لازم برای توسعه و گسترش بیشتر صنعت را فراهم آورد و صنعت بیمه را در مقابل رقابتی بالاتر و متفاوت‌تر قرار دهد.

با وجود این چون در زمینه توانایی رقابت مؤثر صنعت داخلی در مقابل رقبای خارجی نگرانی وجود دارد ضروری است اقدامهای احتیاطی لازم در خصوص محدوده و سرعت گشایش بازار کشورهای در حال توسعه صورت پذیرد. ورود سریع و کنترل نشده بیمه‌گران خارجی با توانایی مالی و تکنولوژیکی برتر ممکن است شرکت‌های بیمه داخلی را در معرض رقابت بیش از اندازه و کاهش نرخ تحمل‌ناپذیر قرار دهد. چنین اقدامی نه تنها موجب کاهش سود شرکت‌های بیمه داخلی می‌شود، بلکه می‌تواند تهدیدی جدی بر تداوم فعالیت آنها باشد. باید توجه داشت که حق بیمه‌های نازل اولیه که تازه‌واردان ارائه می‌کنند فقط برای نفوذ در بازار و با این امید باشد که پس از کسب موقعیت خوب در بازار نرخها و سود آوری افزایش یابد.

گشایش بازارها براساس برخورد یکسان و دسترس کامل شرکتهای خارجی به بازار ممکن است یک هدف بلند مدت در فراگرد آزاد سازی تلقی شود. اما اگر منظور از این اقدامها دستیابی به هدف بالاتر یعنی توسعه صنعت است هدفهای آزاد سازی باید طبق یک برنامه مرحله‌ای متناسب و دارای یک دوره انتقال دنبال شود تا از ایجاد زمینه فعالیت نامساعد و نابرابر برای شرکتهای بیمه داخلی اجتناب گردد. در غیر این صورت ممکن است موفقیت‌هایی را نیز که شرکتهای بیمه داخلی در طول زمان و با هزینه زیاد به دست آورده‌اند مضمحل نماید. دوره انتقال که در آن برخی موانع هنوز حفظ و مالکیت، کنترل و دسترس بیمه‌گران خارجی به بازار محدود و کنترل شده است به صنعت داخلی این امکان را می‌دهد که خود را با تغییرات منطبق سازد و برای فعالیت در محیط رقابتی و آزاد شده آمادگی بیشتری به دست آورد.

در کشورهای در حال توسعه‌ای که مالکیت و مدیریت کلی یا جزئی برای خارجیان مجاز است و شرکتهای بیمه داخلی و خارجی سطح مناسبی از رقابت ایجاد کرده‌اند، اقدامهای بعدی در آزاد سازی می‌تواند به نفع صنعت و کل اقتصاد باشد. چینی اقدامهایی می‌تواند شامل اعطای دسترسی بیشتر به بازار و رفتار ملی^۱ با بیمه‌گران خارجی باشد. این قضیه می‌تواند موجب ورود سرمایه و ظرفیت بیشتر و تکنولوژی برتر در صنعت شود و امکان عرضه خدمات متنوع‌تر با نرخهای پایین‌تر را به بیمه‌گذاران فراهم نماید.

اکنون که برخی جنبه‌های کلی آزاد سازی مورد بحث قرار گرفت می‌خواهم بر یکی از مشکلات عمومی که در صنعت بیمه ویژگی خاصی دارد و از ماهیت عملیات بیمه‌ای ناشی می‌شود تأکید کنم. برخلاف اغلب دیگر صنایع که در آنها معمولاً کالا و پول همزمان و در هنگام فروش مبادله می‌شوند یا حتی در معاملات اعتباری، کالا زودتر تحویل می‌شود، در صنعت بیمه، مشتری حق بیمه را در ابتدای قرار داد، در مقابل اخذ تعهد جبران خسارتهای احتمالی در آینده، پرداخت می‌نماید. افزون بر این، در اغلب صنایع قیمت تمام شده کالای در جریان فروش، در موقع فروش مشخص است، در حالی که تعهد بیمه‌گر احتمالی است و به رخداد، شدت و تواتر حوادث بیمه شده در آینده بستگی دارد. بنابر این امکان تعیین میزان خسارتهای جز با استفاده از تجربیات گذشته و تکنیکهای آماری و به صورت بزآورد وجود ندارد. تضمینی نیست که

خسارتهای واقعی با خسارتهای مورد انتظار و برآورد شده یکسان باشد و تضمینی نیست که آینده همانند گذشته باشد.

این ماهیت ویژه عملیات بیمه‌ای که در آن بهای تمام شده کالا در هنگام فروش نه پرداخت شده و نه مشخص است و باید در آینده پرداخت شود عاملی است که ورود شرکتهای بالقوه ضعیف را به بازار میسر می‌سازد و به آنها اجازه می‌دهد تا بدون در نظر گرفتن توان و ظرفیت خود، خطرهایی را با نرخهای غیر اقتصادی و پایین و زیربهای تمام شده احتمالی تقبل نمایند.

ویژگی عملیات بیمه‌ای ممکن است مانع از عملکرد مطلوب قیمت‌گذاری و رقابت آزاد شود که دو عامل اساسی اقتصاد بازارند. این ویژگی در زمان آزاد سازی می‌تواند موجب ورود تعداد زیادی شرکت بیمه با سرمایه‌های کم شود که به فعالیتهای نامطلوب از جمله قیمت‌گذاری غیر اقتصادی و بیمه‌گری به صرف توجه به جریانهای نقدی آن می‌پردازند. تحت چنین شرایطی احتمال ناتوانی ایفای تعهدات و ورشکستگی شرکتهای بیمه وجود خواهد داشت و این امر با سلب اعتماد بیمه‌گذاران ممکن است به اعتبار صنعت بیمه لطمه کلی وارد آورد.

بنابراین، در صنعت بیمه که ثبات و قابلیت اعتماد بلندمدت از اهمیت اساسی برخوردار است، تنها اتکا به نیروهای بازار کافی نخواهد بود و باید حمایت از بیمه‌گذاران مورد توجه لازم قرار گیرد. بر این اساس یکی از اقدامهای اولیه برای آزادسازی صنعت بیمه باید ایجاد یک واحد نظارتی مؤثر برای اطمینان از عملکرد مطلوب و با ثبات شرکتهای بیمه و حمایت از منافع مصرف‌کنندگان بیمه باشد. در غیر این صورت احتمال زیاد وجود دارد که هرگونه مقررات زدایی کنترل نشده پس از مدتی، وضع مجدد مقررات شدیدتر و محکم‌تر را در پی داشته باشد.

اجرای سیاستهای آزادسازی موجب تغییراتی در شرایط محیطی صنعت بیمه و شرکتهای بیمه می‌شود. تغییر در ساختار مالکیت، شرکتهای را وادار می‌کند که سودگراتر شوند و سهامداران از مدیریت، سطح مطلوبی از سود را انتظار داشته باشند. ورود رقبای جدید حفظ سهم بازار را مشکل‌تر می‌سازد، کالاهای متنوعی آماده و به بازار معرفی می‌شوند و برای به دست آوردن سهم، تازه‌واردان حق بیمه‌های پایینی ارائه می‌نمایند. مشتریان انتظار خدمت و قیمت بهتری خواهند داشت، سیستمهای جدید توزیع انتخاب می‌شوند، نمایندگان و کارگزاران رشد می‌کنند و انتظار کارمزد بیشتری خواهند داشت. در زنجیره عملیات بیمه، بخش بیمه‌های اتکایی نیز دچار تغییرات

مشابه یا خاصی خواهد شد. آزادسازی به ویژه در کشورهای در حال توسعه که زمینه برای توسعه بیمه فراهم و حاصلخیز است موجب ایجاد تقاضا و مصرف بیشتر بیمه می‌شود. آزادسازی همچنین تغییراتی در بازارهای سرمایه و سرمایه‌گذاری ایجاد خواهد نمود که امکانات بیشتری در اختیار شرکت‌های بیمه قرار می‌دهد تا بتوانند ذخایر فنی خود را سرمایه‌گذاری کنند.

این تغییرات اساسی، بازنگری و تعریف مجدد مأموریت شرکت‌های بیمه را ایجاب می‌کند. هدفها و خط‌مشی‌هایی که قبلاً در یک محیط بسته و انحصاری یا رقابت محدود انتخاب شده ممکن است با فاصله کمی پس از آزادسازی اعتبار خود را از دست بدهد. هنگامی که بازار رقابتی‌تر می‌شود و رقبای جدیدی وارد می‌گردند یک شرکت بیمه جز با اتخاذ خط‌مشی‌های رقابتی در زمینه توسعه خدمات و بازار خود نمی‌تواند مشتریان فعلی خود را نگهداری کند یا سهم خود از مشتریان جدید را به دست آورد. کیفیت خدمات، تنوع محصولات، تعریف و انتخاب گروه‌های مشتری مورد نظر و ارائه نرخهای مناسب از خط‌مشی‌هایی هستند که می‌توانند موجب ایجاد مزیت رقابتی برای یک شرکت و کسب حقیقه بیشتر شوند. کاهش هزینه‌های اداری و استحصال و صدور بیمه‌نامه‌ها و ترکیب و سطح مناسب کارکنان از طریق به کارگیری مؤثر تکنولوژی موجب بهبود سودآوری خواهد بود.

چون عنوان مقاله ارزیابی و نگاهی ویژه به آزادسازی و اثرهای آن در منطقه اکو را ایجاب می‌نماید قبل از نتیجه‌گیری و در باقیمانده مقاله این جنبه از عنوان مورد بحث قرار می‌گیرد:

سازمان همکاری اقتصادی در حال حاضر از سه عضو مؤسس ایران، ترکیه و پاکستان و هفت عضو دیگر جدید تشکیل می‌شود. شش عضو جدید از کشورهای جامعه مستقل کشورهای مشترک‌المنافع یعنی شوروی سابق هستند که سابقه اقتصاد متمرکز دارند. برای مثال، در این کشورها در گذشته بخش خصوصی فعالیتی نداشته و سابقه، تجربه و ساختار بیمه‌ای آنها با دیگر اعضا متفاوت بوده است. در حالی که در کشورهای عضو مؤسس اکو آزادسازی با هدف افزایش رقابت و کارایی با مشارکت بیشتر بخش خصوصی صورت می‌گیرد، در کشورهایی از آسیای میانه که جدیداً به اکو پیوسته‌اند هدف اساسی انتقال جامعه از نظام اقتصاد دستوری به نظام اقتصاد بازار است.

در خصوص فعالیت بیمه، چون در اقتصاد کشورهای اعضای جدید، بخش خصوصی فعالیتی نداشته است تا بیمه را نیز خریداری نماید و عملیات بیمه را منحصرأ

یک شرکت بیمه به نام اینگستراخ انجام می‌داده است می‌توان ادعا کرد که در گذشته این کشورها فاقد صنعت بیمه بوده‌اند هرچند وجود بیمه انکار نمی‌شود. بنابراین، درحالی‌که در کشورهای مؤسس اکو آزادسازی صنعت بیمه، هدفهای گسترش و توسعه بازار را دنبال می‌کند در کشورهای آسیای میانه چنین سیاستهایی به منظور ایجاد صنعت بیمه به اجرا درمی‌آید.

در حال حاضر کشورهای زیادی از آسیای میانه به شرکتهای بیمه خارجی اجازه فعالیت می‌دهند. ایجاد شرکتهای بیمه مشترک^۱ که یک روند جاری است ممکن است دارای منافع متقابلی باشد چرا که این شرکتهای حمایت و بازار داخلی را با سرمایه، مهارت و تکنولوژی خارجی که در دوره انتقال مورد نیاز است ترکیب می‌کنند. با وجود این همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد اگر بر عملیات بیمه به خوبی نظارت نشود و به شرکتهای بیمه زیادی با سرمایه کوچک اجازه فعالیت داده شود این کشورها ممکن است با مشکلات عدیده‌ای مواجه شوند.

در حال حاضر در صنعت بیمه ایران پنج شرکت بیمه مستقیم فعالیت دارند که تمام سرمایه چهار شرکت به صورت مستقیم و یک شرکت به صورت غیرمستقیم متعلق به دولت است. هرچند طرحها و پیشنهادهای زیادی در مورد آزادسازی و خصوصی سازی در داخل صنعت تهیه و مورد بحث قرار گرفته است و افراد و مقامات زیادی متقاعد هستند که ورود بخش خصوصی می‌تواند موجبات توسعه بیشتر صنعت را فراهم آورد هنوز طرح مشخصی در این زمینه به تصویب نرسیده است. دلیل اصلی این امر اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که به موجب آن بیمه در بخش دولتی اقتصاد قرار گرفته است. به موجب اصل یادشده اقتصاد کشور به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم شده است. قسمت اخیر این اصل مقرر می‌دارد که «تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند». در مورد اینکه آیا اصل مذکور اجازه فعالیت بیمه به بخش خصوصی را می‌دهد یا خیر نظرهای متفاوتی ابراز شده است. عده‌ای معتقدند که خصوصی سازی بیمه منوط به اصلاح اصل ۴۴ قانون اساسی است در حالی که برخی دیگر با استناد به قسمت اخیر این اصل، آن را با تصویب قانون در مجلس شورای اسلامی امکان پذیر می‌دانند. با وجود نظرهای متفاوت با توجه به اینکه مشارکت بیشتر بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی در برنامه‌های دولت مورد توجه خاصی

قرار گرفته است و در نظر گرفتن زمینه بسیار زیادی که برای رشد و توسعه فعالیت‌های بیمه‌ای وجود دارد پیش‌بینی می‌شود که در آینده نزدیک برنامه‌هایی برای آزادسازی و مشارکت بیشتر بخش خصوصی در فعالیت‌های بیمه‌ای ایران تصویب و اجرا شود.

در حال حاضر و تا هنگامی که شرکت‌های جدید وارد بازار بیمه کشور نشده‌اند صنعت بیمه در ایران بخشی از هدف‌های گسترشی خود را از طریق اعطای پروانه به نمایندگان و کارگزاران رسمی که از بخش خصوصی هستند، دنبال خواهد نمود. مقررات جدید مصوب شورای عالی بیمه امکان تأسیس نمایندگی و کارگزاری بیمه را در قالب شرکت‌های سهامی حرفه‌ای فراهم کرده است. تعداد نمایندگان و کارگزاران بیمه در یک سال حدود دو برابر شده است.

ترکیه و پاکستان توانسته‌اند بازار پر رقابت‌تری ایجاد نمایند. در پاکستان بیمه‌های عمر که از سال ۱۹۷۲ بر روی بخش خصوصی بسته شده بود در سال ۱۹۹۲ مجدداً باز شد و تاکنون چندین پروانه فعالیت به تعدادی شرکت‌های بیمه داخلی و خارجی داده شده است. هرچند هنوز شرکت بیمه دولتی عمر پاکستان بر بازار بیمه عمر تسلط کامل دارد. برنامه‌های آزادسازی که از سال ۱۹۹۰ در این کشور اجرا شده است سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی را افزایش داده است. بیمه‌های عمر از رشد چشمگیری برخوردار بوده است. بیمه‌های جدید شرکت بیمه عمر پاکستان در سال ۱۹۹۵ از دو میلیارد روپیه تجاوز نمود در حالی که این رقم برای سال ۱۹۹۴ به ۱۱۹ میلیون روپیه بالغ گردید.

در ترکیه شرکت بیمه‌ای که سهام آن مستقیماً متعلق به دولت باشد وجود ندارد هرچند تمام یا بخشی از سهام چند شرکت بیمه بزرگ متعلق به تعدادی از بانکها و دیگر مؤسسات دولتی است. تقریباً ۳۵ درصد حجم کل حق بیمه‌ها متعلق به شرکت‌های بیمه‌ای است که به طور غیرمستقیم، به دولت تعلق دارند. سه شرکت از این شرکت‌های بیمه هریک با ۷ تا ۸ درصد سهم، بالاترین سهم را در بازار بیمه مستقیم دارند. این شرکت‌های بیمه به صورت بازرگانی و فارغ از مقررات عمومی مربوط به مؤسسات دولتی اداره می‌شوند. در جدول زیر، برخی ارقام شاخص بیمه‌ای در کشورهای ایران، ترکیه و پاکستان به همراه رده و موقعیت آنها در بازار بیمه جهانی در سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ نشان داده شده است.

ارقام شاخص بیمه‌ای کشورهای مؤسس اکو در سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴

پاکستان			ترکیه			ایران			حق بیمه میلیون دلار ^۲
کل	غیرزندگی	زندگی	کل	غیرزندگی	زندگی	کل	غیرزندگی	زندگی	
۴۲۷	۲۴۴	۱۸۳	۱۵۳۳	۱۳۰۷	۲۲۶	۲۲۸	۲۱۳	۱۵	۱۹۹۳
۴۳۱	۲۴۷	۱۸۴	۱۰۷۳	۹۴۲	۱۳۰	۲۹۵	۲۷۳	۲۲	۱۹۹۴
۱۰۰	۵۷/۳	۴۲/۷	۱۰۰	۸۷/۸	۱۲/۲	۱۰۰	۹۲/۴	۷/۶	درصد به کل حق بیمه
۵۰	۵۵	۴۳	۳۵	۳۳	۴۰	۶۱	۵۸	۷۳	۱۹۹۳
۵۰	۵۵	۴۳	۴۱	۳۹	۴۸	۵۳	۵۲	۶۲	۱۹۹۴
									درصد سهم از بازار جهانی
۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۹	۰/۱۷	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۰	۱۹۹۳
۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۰	۱۹۹۴
									درصد رشد واقعی نسبت به سال قبل ^۳
۵/۹	۱۴/۵	-۳/۹	۲۳/۸	۳۱/۰	-۶/۲	۳۸/۵	۴۲/۱	۲/۰	۱۹۹۳
-۴/۵	-۵/۸	-۲/۷	-۸/۶	-۵/۹	-۲۴/۴	۳/۳	۲/۲	۱۸/۷	۱۹۹۴
									تراکم بیمه‌ای
									حق بیمه سرانه به دلار
۳/۵	۲/۰	۱/۵	۲۵/۵	۲۱/۷	۳/۷	۳/۶	۳/۳	۰/۲	۱۹۹۳
۳/۴	۱/۹	۱/۵	۱۷/۵	۱۵/۴	۲/۱	۴/۹	۴/۶	۰/۴	۱۹۹۴
۷۸			۵۹			۷۷			۱۹۹۳
۶۹			۵۷			۶۷			۱۹۹۴
									نمود بیمه‌ای
									نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی
۰/۸۹	۰/۵۱	۰/۳۸	۱/۳۱	۱/۱۱	۰/۱۹	۰/۴۰	۰/۳۸	۰/۰۳	۱۹۹۳
۰/۸۴	۰/۴۸	۰/۳۶	۰/۸۱	۰/۷۱	۰/۱۰	۰/۴۰	۰/۳۷	۰/۰۳	۱۹۹۴
۶۸			۶۰			۷۸			۱۹۹۳
۶۴			۶۵			۶۹			۱۹۹۴

۱. ارقام از دو نشریه زیگما به شماره‌های ۱۹۹۵/۵ و ۱۹۹۶/۴ متعلق به شرکت بیمه اتکایی سویس استخراج شده است.

۲. نرخ ارز میانگین نرخ در هریک از سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴.

۳. براساس ارقام تعدیل شده برای تورم که با استفاده از شاخص قیمت‌های خرده فروشی محاسبه شده است.

در زیر برخی اطلاعاتی که در جدول منعکس است مورد اشاره و بحث قرار می‌گیرد:
 - در حالی که ۵۸ درصد حق بیمه جهانی را در سال ۱۹۹۴ حق بیمه‌های عمر تشکیل می‌دهد و این رقم برای قاره آسیا (به لحاظ حق بیمه زندگی ژاپن) ۷۷ درصد است، سهم حق بیمه‌های عمر از کل حق بیمه در کشورهای ایران و ترکیه به ترتیب فقط ۷/۶ درصد و ۱۱/۲ درصد است. در این مورد، پاکستان با ۴۲/۷ درصد از کل حق بیمه‌های زندگی موقعیت بهتری دارد.

- هرچند کل حق بیمه کشور ترکیه به پول ملی (لیر ترکیه) در سال ۱۹۹۴ بیش از ۹۰ درصد در مقایسه با سال قبل افزایش نشان می‌دهد، مبلغ دلاری حق بیمه در مقایسه با سال قبل ۳۰ درصد کاهش نشان می‌دهد. این امر به روشنی بیانگر اثر کاهش ارزش پول ملی است که تا حد زیادی در پی کاهش مقررات کنترل ارز در جریان آزادسازی ایجاد شده است.

- مروری بر ارقام و درصدهای تراکم و نفوذ بیمه‌ای همچنین موقعیت و رده کنونی کشورهای مؤسس اکو در بازار بیمه جهانی، بیانگر پتانسیل رشد و توسعه زیاد صنعت بیمه در منطقه اکوست که اجرای سیاستهای مناسب آزادسازی می‌تواند زمینه دستیابی به رشد و توسعه بیشتر صنعت را فراهم نماید.

خلاصه و نتیجه

اجرای سیاستهای آزادسازی در بخشهای مختلف اقتصادی از جمله بخش بیمه، تغییرات سریعی در عوامل محیط کلان که بر صنعت بیمه تأثیر می‌گذارند یا صنعت بیمه را شکل می‌دهند ایجاد می‌نماید. این تغییرات، فرصتها و تهدیداتی برای صنعت به وجود می‌آورد. آزادسازی یک امر مقطعی و یکباره نیست. درجه آمادگی برای اجرای سیاستهای آزادسازی بسته به شرایط اقتصاد کلان، ساختار بازار و میزان رقابت در کشورهای مختلف متفاوت است. راه حل استاندارد و واحدی برای توسعه صنعت بیمه کشورهای مختلف وجود ندارد. درحالی که آزادسازی سریع‌تر در کشورهایی که از شرکتهای بیمه خوب شکل یافته برخوردارند می‌تواند زمینه توسعه بیشتر را فراهم نماید در کشورهای دیگر ممکن است آزادسازی تدریجی و مرحله‌ای با دوره انتقال و اقدامهای حمایتی همچنان ضروری باشد. در فراگرد آزادسازی، برخورداری از ساختار قانونی و نظارتی مناسب به منظور اطمینان از اینکه شرکتهای بیمه به رقابت سالم می‌پردازند و قادرند تعهدات آینده خود را ایفا نمایند شرط اساسی است.